

## سیاست موازنه منفی دکتر مصدق و بازتاب‌های خارجی آن

علیرضا عطاری<sup>۱</sup>

### چکیده

سیاست موازنه منفی در ایران، اولین بار توسط دکتر محمد مصدق در جریان درخواست امتیاز نفت شمال از سوی شوروی ارائه شد، که رویکرد تازه‌ای در برخورد با زیاده‌خواهی‌های قدرت‌های خارجی بود. موفقیت آن سیاست در عدم واگذاری امتیاز به شوروی و مکلف نمودن دولت در عدم واگذاری امتیازی به دول دیگر باعث شد در دورانی که رقابت‌های نفتی میان شرکت‌های خارجی برای دریافت سهم بیشتر صورت گرفته بود، ناکام گذارد. به مرور با ادامه فعالیت این جریان شکل گرفته، خواست نمایندگان مجلس مبنی بر احقاق حقوق تضييع شده در میزان سود دریافتی شرکت نفت ایران و انگلیس موجب شد تا تلاش برای ملی شدن صنعت نفت در راستای چنین سیاستی در دستور کار قرار گیرد. ملی شدن صنعت نفت و انتخاب مصدق به نخست وزیر راه را برای اتخاذ این سیاست هموارتر نمود. لذا از اردیبهشت ۱۳۳۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شمسی، به مدت ۲۷ ماه سیاست موازنه منفی در سیاست داخلی و خارجی کشور به اجرا در آمد و شرایطی را به وجود آورد که نتایج خاص خود را داشت. این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی، درصدد بازنمایی تأثیر شکل‌گیری سیاست موازنه منفی بر تحولات داخلی و نتایج آن در روابط خارجی می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیاست موازنه منفی، به مرور به نوعی رفتار سیاسی و مقاومت در تقابل با جریان خارجی تبدیل گردید.

**واژه‌های کلیدی:** سیاست موازنه منفی، مصدق، مجلس چهاردهم، ملی شدن نفت، مواضع خارجی.



## مقدمه

سیاست موازنه منفی<sup>۱</sup> در واقع اصل سیاسی دکتر محمد مصدق و منطق روگردانی از این و آن یا سیاست بی طرفی در میان نیروهای بزرگ جهانی براساس حفظ منافع ملی می باشد. همچنین منظور از واژه منفی، نفی نیروها و انگیزه‌هایی بود که آزادی ایرانی را در اداره خانه خودش نفی می کردند. (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳: ۴۴۷) دکتر مصدق که اولین مبتکر سیاست موازنه منفی به عنوان رویکردی نوین در جهان سوم و در میان ملل استعمار زده است، در مجلس چهاردهم این سیاست از سوی وی مطرح و در بسیاری از موضع گیری‌های مجلس اعمال شد. لغو اختیارات میلسپو<sup>۲</sup> و تصویب قانون تحریم اعطای امتیاز نفت از این دست هستند. این سیاست وقتی از طرف مصدق عنوان شد که در سال ۱۳۲۳ ش، شوروی‌ها امتیاز نفت شمال را تقاضا کردند و برخی نمایندگان هم به طرفداری از آنها خواستار برقراری موازنه مثبت<sup>۳</sup> شدند، یعنی چون نفت جنوب در اختیار انگلیس است، نفت شمال هم در اختیار شوروی باشد؛ مصدق نفع کشور را در برقراری موازنه منفی اعلام کرد. وی گفت نه تنها به شوروی امتیاز نمی‌دهیم، بلکه حقوق ایران را نسبت به نفت جنوب نیز که در اختیار انگلیس است، طلب می‌کنیم.

اهمیت اتخاذ چنین سیاستی که موجب نتایج خوشایندی چون ملی شدن صنعت نفت گردید، محقق را بر آن داشت، تا با هدف بازنمایی حوادث منتهی به ملی شدن نفت، اینکه با چه اصولی و با تبعیت از چه سیاستی بدان نائل آمدند، و با تأکید بر نقش و تأثیر سیاست موازنه منفی بر سیاست خارجی، چه نتایجی را در پی داشته است، وقایع را تبیین و تحلیل کند.

## پیشینه محمد مصدق و اصول موازنه منفی قبل از تشکیل دولت

محمد مصدق در سال ۱۲۶۱ ش در تهران به دنیا آمد و هنوز در سنین نوجوانی بود که تصدی نظارت بر دستگاه استیفاء خراسان به او واگذار و در ۲۵ سالگی به نمایندگی مجلس از اصفهان انتخاب شد، ولی به علت صغر سن نتوانست این وظیفه را عهده دار شود. (عظیمی، ۱۳۹۱: ۴۸۱) وی در سوئیس تحصیل کرد و پایان نامه‌اش در رشته حقوق، درباره آشنایی با رویه قضایی غربی در ایران بود. مخالفت با انتقال سلطنت به پهلوی موجب تبعید وی به روستای احمد آباد شد و پس از شهریور ۱۳۲۰ ش مجدداً به عرصه سیاست بازگشت. (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۲۱۱) با فقدان رضا شاه و فضای باز سیاسی ناشی از خروج وی از کشور، مصدق توانست با شرکت در انتخابات مجلس چهاردهم و انتخاب وی به نمایندگی مجلس شورای ملی، حضور پر رنگ تری نسبت به دوره‌های قبل پیدا کند. شانزده نفر از اعضای فعال مجلس چهاردهم شورای ملی، گروه غیر رسمی مشهور به منفردین بودند که برجسته‌ترین آنها دکتر محمد مصدق بود، سیاستمدار کهنه کاری که به سبب موقعیت خانوادگی‌اش در رأس نهادهای قدیم قرار گرفت. اما نظریاتش در مورد مشروطه خواهی، ناسیونالیسم و اصلاحات اجتماعی به تدریج او را جز روشنفکران رادیکال جدید و غیر کمونیست قرار داد. وی به عنوان یک مشروطه خواه معتقد، پس از بازگشت به مجلس اصرار کرد تا زمانی که ارتش تحت نظارت غیر نظامی قرار نگیرد، قانون اساسی در امان نخواهد بود. وی در مقام یک ناسیونالیست با سرسختی تمام بر این اعتقاد بود که دولتمردان گذشته سعی کرده‌اند استقلال ایران را با سیاست نادرست موازنه مثبت یا با پیوستن به یک قدرت بر ضد دیگری، و یا دادن امتیاز به هر دوی آنها، و حتی با جست و جوی یک نیروی



سوم خنثی کننده حفظ کنند. بدین ترتیب درهای ایران به روی همه باز شد تا این که قدرت‌های بزرگ برای به چنگ آوردن سهم هر چه بیشتر و حفظ منافعشان در مقابل رقبای بین المللی خود با یکدیگر رقابت کنند. وی برای پایان دادن به این بحث نظریه ساده «موازنه منفی» را ارائه داد. (آبراهامیان، ۱۳۷۶: ۱۷۷-۱۷۸) هر چند سابقه این نظر محدود به شخص مصدق در طول تاریخ جدید ایران نمی‌شود و قبل از وی سید حسن مدرس روحانی مبارز دوران رضاشاه نیز سیاست موازنه عدمی خود را بر ندادن امتیاز به هیچ یک از دو دولت روسیه تزاری و انگلستان بنا نهاده بود، (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳: ۴۴۷) اما شخص مصدق توانست با کسب موفقیت‌هایی در تحقق اهداف خود نقش بارزتری را نسبت به آن روحانی مجاهد پیدا کند. از این رو منفردین مجلس چهاردهم برای حفظ استقلال کشور، از پیشنهاد سیاست موازنه منفی دکتر مصدق حمایت کردند. (آبراهامیان، ۱۳۷۶: ۱۷۹)

مصدق در یازدهم آذر ۱۳۲۳ ش در نطق معروفی که در زمان طرح مسأله اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی سابق در برابر مجلس چهاردهم ایراد نمود، دلایل امتناع از دادن چنین امتیازی را شرح داد و سیاستی را که بعد ها به سیاست موازنه منفی معروف شد چنین بیان کرد؛ هر گاه ما از سیاست موازنه مثبت پیروی کنیم باید امتیاز نفت شمال را برای مدت ۹۲ سال بدهیم و به این طریق، موازنه سیاسی برقرار کنیم. گذشته از اینکه ملت ایران برای همیشه، و اکنون مجلس با این کار موافق نیست و دادن امتیاز مثل این است که مقطوع الیدی برای حفظ موازنه، راضی شود تا دست دیگر او را هم قطع کنند. (آقابخشی، ۱۳۸۳: ۴۴۷) این اولین اعلام موضع او به صورت رسمی بعد از عهده داری نمایندگی بود. وی در همان دور از مجلس موفق شد طرح تحریم



مذاکرات نفتی با نمایندگان دول خارجی را به تصویب رساند. از آن تاریخ فکر سیاست موازنه منفی به تدریج در ایران اوج گرفت. در واقع رد موافقتنامه قوام- سادچیکف<sup>۴</sup> و پیگیری حقوق ایران از نفت جنوب هم در همین راستا بود. در سیاست موازنه مثبت اصل بر موافقت نهاده شده است. اگر بخواهیم مصداقی برخورد کنیم یعنی جنوب از آن انگلیس و شمال سهم روسیه؛ اما در سیاست موازنه منفی، کنش کنشگران سیاسی کاملاً متفاوت است. در این نوع سیاست اصل بر مخالفت، عدم قبول و امتناع است. سیاست موازنه منفی مربوط به زمانی است که دو یا چند کشور در مملکت نفوذ پیدا کنند و با هم رقابت نمایند، اما اگر در زمان صلح و سازش کشورهای صاحب نفوذ، در کشوری این سیاست اعمال شود، کارایی ندارد و به زیان مملکت خواهد بود. (کی استوان، ۱۳۲۷: ۱۴/۱)

پس از این واقعه نمایندگان مجلس پانزدهم در برخورد با قضیه رقابت‌های نفتی شرکت‌های خارجی، در جبهه گیری‌های خود مصمم تر شدند. در ۲۹ مهر ۱۳۲۶ ش، ماده واحده‌ای به تصویب رسید که شرکت نفت جنوب و انگلیس را به تأملی در باب آینده خود در ایران واداشت. این ماده واحده، دولت را مکلف کرد در کلیه مواردی که حقوق ملت ایران مورد تضییع واقع شده به خصوص راجع به نفت جنوب به منظور استیفای حقوق ملی، مذاکرات و اقدامات لازم را به عمل آورد و مجلس شورای ملی را در این باب مستحضر سازد. (عظیمی، ۱۳۹۱: ۳۲۰)

بنابراین موضوع حقوق تضییع شده ایران در قرارداد نفتی ۱۳۱۲ ش/۱۹۳۳ م فی ما بین ایران و انگلیس، موجب تجدید نظر و برقراری موافقتنامه دیگری میان نویل گس<sup>۵</sup> نماینده انگلیس و عباسقلی گلشائیان نماینده ایران شد، که



هرچند امتیازاتی برای ایران به دست آورد اما نتوانست پاسخگوی موج ملی ایجاد شده باشد که توسط مصدق و همفکران او با توسل به سیاست موازنه منفی به وجود آمده بود. دولت با بهره برداری از تمایل نمایندگان به پرهیز از بحث و جدال دوران قبل از انتخابات، سعی کرد تا قرارداد الحاقی گس-گلشائیان را که متضمن تجدید نظر در قرارداد ۱۹۳۳ م نفت نبود و صرفاً حق امتیاز پرداختی به دولت ایران را افزایش می داد، به تصویب مجلس برساند. (همان: ۳۷۹) آن طور که مصدق در تقریرات خود در زندان وقایع این دوران را چنین ذکر می کند:

«همه می دانند که قرارداد گس- گلشائیان سه روز به آخر دوره پانزدهم تقنینیه تقدیم مجلس شد. علت این بود که فرصت زیادی برای مذاکره و روشن شدن مواد مضره آن نباشد، و به این عنوان که قبل از انقضای مجلس باید تصویب شود نمایندگان تسلیم باشند و آن را تصویب کنند. خوشبختانه علاقمندی بعضی از مهندسين وطن پرست من جمله آقای مهندس حسینی که اطلاعات نسبتاً کافی راجع به نفت داشت سبب شد که آقای حسین مکی در مجلس نطقی کند و دامنه نطق را به جایی رسانید که مدت مجلس منقضی شد و قرارداد تصویب نشد. بدیهی است پس از مجلس پانزدهم کسانی که علاقه مند به مملکت بودند تصمیم گرفتند مقاومت کنند تا قرارداد مزبور در مجلس شانزدهم نیز تصویب نشود». (بزرگمهر، ۱۳۵۹: ۱۱۴)

این واقعه در حالی رخ داد که اکثر نمایندگان مجلس پانزدهم، از افراد نزدیک به دربار و انگلیس تشکیل یافته بود. هسته اولیه شکل گیری جبهه ملی که با



تحصن در اعتراض به تقلب گسترده انتخابات مجلس پانزدهم شکل گرفته بود، (عظیمی، ۱۳۹۱: ۳۸۴) به حیات خود ادامه داد و توانست با ورود به انتخابات این بار به دور از دسیسه چینی کاندیداهای هواخواه خود را وارد مجلس شانزدهم کند. مصدق پس از دوره فترت و دوری موقت از سیاست بازگشت خود را به این معرکه چنین بیان می‌کند:

«بعضی از اشخاصی که با شرکت آنها جبهه ملی تشکیل شد با من مذاکره کردند که راجع به انتخابات تهران چه باید کرد. من چون در دوره پانزدهم تقنینیه درباره انتخابات اقداماتی کرده بودم ولی نتیجه‌ای نداده بود مایل به شرکت در انتخابات دوره شانزدهم نبودم و میل نداشتم که خود را وارد سیاست کنم. اما پس از فکر زیاد دیدم اگر ساکت بنشینم گناه کرده‌ام. این بود که دو سه روز قبل از انتخابات تهران دعوتی از مدیران جراید کردم. علت این بود که حزب متشکلی در مملکت نبود و فقط به وسیله جراید ممکن بود که اقداماتی کرد.»

(بزرگمهر، ۱۳۵۹: ۱۱۵)

نتیجه انتخابات مردم تهران این شد که یک عده ای انتخاب شوند و آنها بتوانند در مجلس از حقوق ملت دفاع کنند. روی همین اصل مصدق و جبهه ملی به وظیفه خود عمل کردند و کار به جایی رسید که مجلس شورای ملی کمیسیونی برای مطالعه کار نفت انتخاب کرد. این کمیسیون مرکب بود از هجده نفر از نمایندگان، و نمایندگان جبهه ملی در آن کمیسیون در اقلیت بودند. ولی چون ملت پشتیبان آنها بود هم در کمیسیون و هم در مجلس اکثریت با آن‌ها همراهی کرد. (همان: ۱۱۸)



مصدق در ۵ تیر ۱۳۲۹ ش به محض تشکیل کمیسیون نفت به ریاست آن انتخاب شده بود. در همان روز حاجیعلی رزم آرا هم به نخست وزیری منصوب گردید. (عظیمی، ۱۳۹۱: ۴۳۷) کمیسیون نفت قریب ده ماه طول کشید. در این مدت اطلاعات کافی راجع به کار نفت تهیه کرد. در این جریانات نمایندگان جبهه ملی ماده واحده ای برای ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور تهیه و امضا کرده بودند، ولی به تصویب کمیسیون نرسیده بود. تا اینکه پیش آمد واقعه قتل رزم آرا روی داد و سایر اعضای کمیسیون با ماده واحده موافقت کردند و به مجلس پیشنهاد گردید. چون ماده واحده برای تأمین حقوق ملت کافی به نظر نمی‌رسید این بود که پس از گزارش کمیسیون به مجلس شورای ملی وکلا خواستند مواد دیگری برای اجرای ماده واحده تهیه و به مجلس پیشنهاد شود. بنابراین دکتر مصدق مواد نه گانه را تهیه کرد و در یکی دو جلسه کمیسیون مطرح شد. (بزرگمهر، ۱۳۵۹: ۱۱۸)

پس از قتل رزم آرا که مهم‌ترین سد راه احقاق حقوق ملت بود، راه برای ملی شدن نفت هموارتر گشت و در نهایت این مواد نه گانه در مجلس مطرح شد و به تصویب رسید و پس از آن دولت مصدق تشکیل شد. علت موافقت مصدق برای پست نخست وزیری هم آن طور که خود می‌گوید، روی این نظر بود که طرح نمایندگان راجع به ملی شدن صنعت نفت از بین نرود و در مجلس تصویب شود. چنانچه فرد دیگری که در آن زمان سید ضیا مطرح بود روی کار می‌آمد، مجلسی باقی نمی‌گذاشت که این موضوع به سرانجام برسد. (مصدق، بی تا: ۱۷۸) تصویب قانون نه ماده ای که در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۰ ش از مجلسین سنا و شورای ملی گذشت، ملی شدن صنعت نفت که در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ صورت گرفته بود را قطعی کرد. (همان: ۲۳۳) در ۱۱ اردیبهشت،





شاه رسماً قانون ملی شدن صنعت نفت، خلع ید از شرکت سابق نفت و ایجاد شرکت ملی نفت ایران را اعلام کرد. دولت انگلیس دست به محاصره اقتصادی ایران زد و از اینجا مبارزه دو ساله بر سر ملی شدن نفت و دوره پر تلاطم تاریخ ایران آغاز گردید که این حرکت، دومین جنبش اجتماعی توده ای قرن بیستم پس از انقلاب مشروطیت بود که به نتیجه رسید. (فوران، ۱۳۹۲: ۴۲۷)

### اجرای سیاست موازنه منفی در زمان نخست وزیری

سیاست موازنه منفی در ایران با نخست وزیری دکتر مصدق به اجرا درآمد. تفاوت عمده دولت مصدق با دولت‌های دیگر در آن بود که دست کم از زمان مشروطیت به بعد اولین دولت اصلاح طلب بود. مصدق قویاً بر توسعه آزادی‌های سیاسی، قانونمداری و نیز از بین بردن نفوذ انگلیس و ملی کردن صنعت نفت تأکید می‌کرد. این‌ها موضوعاتی بودند که نه تنها دولت‌های پیش از وی بلکه دولت‌های پس از وی نیز آنها را دنبال نکردند. (رسولی پور، ۱۳۸۵: ۱۷۷) مسئله حائز اهمیت این دوران، تحمل غیر عادی بود که محمدرضا به‌رغم یأس و ناامیدی، طی سه سال نخست وزیری مصدق داشت و می‌تواند ناشی از اطمینانی باشد که نسبت به آینده‌اش به او داده شده بود. محمدرضا شاه در این دوران روحیه توهین آمیز مصدق و اخراج تمام دوستانش توسط وی را تحمل کرد. حال آنکه خیلی کمتر از این را در زمان احمد قوام السلطنه که منظم به دیدار محمدرضا می‌آمد تحمل نمی‌کرد و علاقه داشت سلطنت و ایران را ترک کند. (فردوست، ۱۳۶۹: ۱۷۳)

مصدق طی بیست و هفت ماه زمامداری خود سیاست موازنه منفی را در دستور کار قرار داد. چکیده استدلال مصدق این بود و همواره نیز چنین ماند که تا زمانی که یک شرکت خصوصی یا دولتی خارجی در ایران امتیاز نفت دارد،



استقلال ایران مورد تردید است، و سیاست‌های داخلی تحت تأثیر نیروهای خارجی قرار می‌گیرد؛ وجود شرکت نفت انگلیس و ایران، برای انگلیس منافع ریشه داری در اقتصاد سیاسی ایران فراهم آورده و روابط سیاسی داخلی و خارجی ایران را تحت تأثیر و مداخله آن کشور قرار داده بود. (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۳۲) لذا ابتدا در ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ ش اداره صنایع نفت را از شرکت نفت ایران و انگلیس گرفته و به شرکت ملی نفت ایران سپرد. بعد در ۹ بهمن ۱۳۳۱ ش شیلات دریای خزر که در دست شوروی ها بود ملی اعلام کرد. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۴: ۱۶۴) مصدق با افسران ارتش هم به شدت برخورد کرد. وی نام وزارت جنگ را به وزارت دفاع تغییر داد، ۱۵ درصد از بودجه نظامی را کاهش داد و اعلام کرد که دولت در آینده فقط تجهیزات دفاعی خواهد خرید. او همچنین، از پایان دادن به مأموریت هیئت نظامی آمریکا سخن گفت. (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۳۳۶)

کابینه دکتر مصدق علاوه بر همه این اقدامات به آزمون‌های جدیدی در زمینه‌های داخلی و خارجی دست زد. در سطح داخلی سیاست جدید اقتصاد بدون نفت تنظیم شد تا کشور از لحاظ تولیدات عمده و مایحتاج عمومی، به مرز خودکفایی برسد. مبنای این سیاست، این بود که در صورت ادامه دعوای نفت با انگلستان، اقتصاد کشور نیازمند ساختار نوینی خواهد بود. (ذبیح، ۱۳۷۰: ۱۲۲)

به موازات مسیر تازه‌ای که در سیاست اقتصادی کشور پدید آمده بود، نظریه جدیدی در زمینه اصول سیاست خارجی ایران در اندیشه نخست وزیر و یاران نزدیک او شکل می‌گرفت. این نظریه جدید زائیده ملاحظات زیر بود:



۱. رقابت صد ساله روسیه (شوروی) و انگلیس در ایران، به ندرت توانسته است منافع واقعی کشور را تأمین کند.

۲. قطع روابط سیاسی با انگلیس موجب گردید که موضع بین‌المللی ایران از محتوای تازه‌ای برخوردار شود.

۳. بعید به نظر می‌رسد که ایالات متحده بتواند به عنوان یک قدرت بزرگ، جانشین انگلیس در ایران شود، چرا که از لحاظ جغرافیایی فاصله زیادی با ایران دارد و فاقد هدف‌های استعماری قدیمی در ایران می‌باشد. (همان: ۱۲۴) به طور کلی نمونه‌ها و مواردی از پیگیری اصول موازنه منفی در سیاست خارجی که دکتر مصدق بین سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ شمسی دنبال کرد به طور اجمال می‌توان چنین برشمرد:

«تعیین هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران بلافاصله پس از رسیدن به مقام نخست وزیری در اردیبهشت ۱۳۳۰ ش که منجر به خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس شد؛ اعتراض به شکایت انگلیس و دخالت دیوان دادگستری بین‌المللی لاهه بر مبنای عدم صلاحیت دیوان؛ شرکت در جلسات شورای امنیت در مهر ۱۳۳۰ ش که در آن، شورا بر خلاف تقاضای انگلستان رأی داد؛ تقاضای رعایت بی‌طرفی از آمریکا به جای مساعدت در اختلافات ایران و انگلیس در جلسه ۱۹ آذر ۱۳۳۰ ش مجلس؛ اقدام به قطع روابط با انگلیس و انحلال کنسولگری‌ها و شورای فرهنگی این کشور در خرداد ۱۳۳۱ ش؛ مخالفت با تقاضای جمال امامی مبنی بر جایگزین شدن شرکت نفت سابق با کمپانی‌های آمریکایی؛ بازداشتن شاه از ارتباط مستقیم با دیپلمات‌های خارجی پس از احراز مجدد نخست‌وزیری در پی



رای اعتماد مجلس هفدهم؛ برنامه ریزی و اعمال سیاست اقتصاد بدون نفت و تکیه بر تولید ملی به جای واردات؛ رد درخواست شوروی مبنی بر تمدید امتیاز انحصار کشتیرانی و شیلات شمال در دی ماه ۱۳۳۱ ش؛ و آخرین مورد پاسخ منفی به تقاضای سادچیکف در مورد تمدید قرارداد شیلات در ۹ بهمن ۱۳۳۱ ش می‌باشد». (مدیر شانه چی، ۱۳۷۷: ۸۸)

دکتر مصدق در سراسر زندگی‌اش، هوادار سیاست بی‌طرفی ایران به شیوه سوئیس بود که تحصیلات دانشگاهی‌اش را در آن جا کامل کرده بود. اگر چه اصطلاح «عدم تعهد» در آن زمان مرسوم نبود، اما دکتر مصدق اجرای آن تصمیمی را در سر می‌پرورانید که در نیمه دوم ۱۹۵۰ م از سوی رهبران سرشناس جهان مانند؛ جواهر لعل نهرو، مارشال تیتو، جمال عبدالناصر و احمد سوکارنو برای توجیه یک وضعیت عدم تعهد در امور بین‌المللی اتخاذ شد. (ذبیح، ۱۳۷۰: ۱۳۳) بنابراین دکتر مصدق را می‌توان بانی سیاست عدم تعهد در دنیای آن روز سیاست دانست که منشاء چنین افکاری از اصول موازنه منفی وی سرچشمه می‌گرفت. حتی استعفای دکتر مصدق و موافقت آمریکایی‌ها با روی کار آمدن چهار روزه قوام که به پیروزی ملت در واقعه ۳۰ تیر ۱۳۳۱ ش انجامید هم بازتاب وسیعی در خاورمیانه داشت که نمونه آن یکی کودتای افسران آزاد در مصر و خلع ملک فاروق، و دیگری آشوب‌های پائیز همان سال در عراق و کشته شدن چند نفر طی آن جریان بود. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۴:

## مسأله سازمان دفاعی و شناسایی اسرائیل

در مهر ماه ۱۳۳۰ ش/ اکتبر ۱۹۵۱ م در پایان کنفرانس آنکارا که ترکیه و یونان به عضویت ناتو درآمدند، اعلامیه‌ای انتشار یافت که کشورهای منطقه خاورمیانه را به شرکت در پیمان منطقه‌ای دعوت می‌کرد. اما از ارسال یادداشت به دولت ایران خودداری شد که دلیل آن اجرای سیاست موازنه منفی در ایران از سوی دکتر مصدق بود. در واقع قتل ملک عبدالله پادشاه اردن، سیاست ضد انگلیس حکومت مصدق و کودتای افسران آزاد در مصر طرح غربی‌ها را با شکست روبرو ساخت و تا چند سال بعد که گفتگو از تأسیس پیمان بغداد به میان آمد دیگر صحبتی در این زمینه نشد. (همان: ۱۵۱)

در اردیبهشت ۱۳۲۶ ش/ مه ۱۹۴۷ م که مجمع عمومی سازمان ملل کمیسیونی را با شرکت یازده عضو از جمله ایران مأمور مطالعه و یافتن راه حلی برای مسئله فلسطین کرده بود، پس از تحقیقات محلی کمیسیون، دو گزارش که مربوط به اکثریت «۷ عضو» و اقلیت «۴ عضو» اعضا امضا کننده می‌شد، انتشار گردید. نظر اقلیت تشکیل یک دولت فلسطینی واحد متشکل از دو ایالت فدرال عرب و یهود بود. در نهایت گزارش اکثریت مبنی بر تقسیم فلسطین به دو کشور عرب و یهود تصویب گردید و صهیونیست‌ها از آن فرصت استفاده کرده و در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۲۷ ش/ ۱۴ مه ۱۹۴۸ م دولت اسرائیل را تأسیس کردند. (ثریا، ۱۳۸۵: ۱۴۷)

دولت ساعد در اسفند ۱۳۲۸ ش به بهانه حفظ منافع ایرانیان مقیم فلسطین اسرائیل را به صورت دوفاکتو<sup>۶</sup> به رسمیت شناخت و در بیت المقدس سرکنسولگری دایر کرد که به ایجاد حالت خصومت میان ایران و کشورهای عربی انجامید. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۴: ۱۵۴) بعضی از نیروها، مخالفت



روابط ایران و اسرائیل و شناسایی دوافکتو بودند که این مخالفت‌ها شامل مخالفت‌های مردمی، علما و روحانیون و شاید بخشی از درون حاکمیت از بعد داخلی و مخالفت و فشار کشورهای عربی و اسلامی از بعد خارجی می‌گردید. (شهبازی، ۱۳۹۳: ۹۴) اما با روی کار آمدن دکتر مصدق و با توجه به اصل موازنه منفی، کنسولگری ایران در بیت المقدس منحل می‌شود و با این کارش شناسایی اسرائیل را متفی می‌کند. این کار مصدق افکار عمومی جهان عرب را که با به رسمیت شناخته شدن اسرائیل از سوی دولتمردان قبل بدبین کرده بود به نفع نهضت ملی ایران دگرگون کرد. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۴: ۱۵۶) در هر حال قطع روابط ایران و اسرائیل، اسرائیلی‌ها و طرفداران انگلیسی آنها را در مقابل مصدق و نهضت ملی کردن صنعت نفت قرار داد. لیکن با سقوط دولت ملی و متعاقب کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش و قدرت یابی مجدد محمدرضا پهلوی، به تدریج مناسبات ایران و اسرائیل هر چند به صورت غیر رسمی و پنهانی برقرار شد. (شهبازی، ۱۳۹۳: ۹۵)

### مواضع دولت‌های خارجی در قبال سیاست‌های مصدق

بررسی مواضع کشورهای مؤثر در روابط خارجی با ایران در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ ش نقش عامل خارجی یا محیط بین‌المللی در میزان موفقیت تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی ایران که ناشی از اصول موازنه منفی بود، در این دوره مشخص‌تر می‌کند. مصدق در غرب به یک بیگانه ستیز احساساتی شهرت داشت که بیگانگان را ذاتاً استعمارگر می‌دانست. (آبراهامیان، ۱۳۷۶: ۱۷۸) رهبران انگلیس هم، مصدق را نه یک رهبر دموکراتیک ملی، بلکه در بهترین تعبیر، ناسیونالیستی عوام‌فریب و در بدترین تعبیر، طرفدار کمونیسم می‌پنداشتند. (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۴۶)



پس از ملی شدن صنعت نفت ایران، تقاضاهای متعددی برای خرید نفت ملی شده در نیمه دوم سال ۱۳۳۰ ش به تهران رسید و بنا به گزارش شرکت ملی نفت، تا اواخر دی ماه همان سال نزدیک به ۲۶۸ مورد درخواست خرید نفت ملی شده رسیده بود که در خصوص آنها مشغول بررسی بودند؛ اما در عمل معامله‌ای انجام نگرفته بود. دولت‌های افغانستان، مصر، هند و ترکیه مایل بودند نفت از ایران خریداری نمایند. درخواست‌هایی از پاره‌ای از کشورهای اروپایی شرقی نیز رسیده بود، اما در عمل مداخله انگلیس، و اشکالی که برای دست یافتن وسایل حمل و نقل نفت در پیش بود، مانع عملی شدن این معاملات می‌گردید. (نقیب زاده و فیاضی، ۱۳۸۵: ۱۲۸)

در نتیجه کارشکنی‌های انگلیسی‌ها، رابطه سیاسی ایران و انگلیس در مهر ماه ۱۳۳۱ ش به دستور دکتر محمد مصدق، بعد از ۱۵۰ سال قطع شد و سفارتخانه آن کشور در تهران تعطیل گردید. (چگینی، ۱۳۹۰: ۲۲۵) این روابط شاهد فراز و نشیب‌هایی در گذشته بود. اما از سال ۱۸۵۹ م به این سو، مناسبات دو کشور به مرحله قطع روابط نرسیده بود. اینک برای نخستین بار در صد سال اخیر، اقدام شدیدی از سوی حکومت ایران برای قطع روابط با یک دولت نیرومند اروپایی صورت می‌گرفت. حتی در بحران شدید روابط ایران و شوروی بر سر مسأله آذربایجان نیز پیشنهادی برای قطع روابط با شوروی ارائه نشد. (ذبیح، ۱۳۷۰: ۱۱۹)

ملی شدن صنعت نفت در ایران بازتاب‌های داخلی و خارجی گسترده‌ای داشت و باعث شد که قدرت و نفوذ دولت‌های غربی در منطقه دچار تزلزل شود. به همین خاطر برای مهار این حرکات طرح‌های جایگزینی متعددی از سوی انگلیس و آمریکا و مجامع بین‌المللی مطرح شد که مورد موافقت دکتر



مصدق واقع نشد. همانند پیشنهادات جکسون<sup>۷</sup>، هریمن - استوکس<sup>۸</sup>، مک گی - آپسون<sup>۹</sup>، بانک جهانی و طرح‌های پیشنهادی دیگر از سوی دو دولت انگلیس و آمریکا که در مجموع شش پیشنهاد، تنها پیشنهاد مک گی مورد پذیرش واقع شد که بعد انگلیس آن را رد کرد و همه پیشنهادات به دلایل اینکه با قانون ۹ ماده‌ای ملی شدن نفت و اهداف سیاست موازنه منفی دکتر مصدق مغایرت داشت رد شد و تلاش آنها را برای غیر قانونی نشان دادن ملی شدن نفت در مجامع بین‌المللی مانند شورای امنیت و دیوان دادگستری بین‌المللی عقیم ساخت. از این شش پیشنهاد چهار عدد آنها در سال ۱۳۳۰ ش، و دو تای آخر پس از قیام سی تیر، در سال ۱۳۳۱ ش ارائه شد. (خامه‌ای، ۱۳۷۲: ۹۶۹) دکتر مصدق راجع به مهم‌ترین پیشنهاد یعنی پیشنهاد بانک جهانی می‌نویسد، چون شرط اصلی مسئله نفت آر طرف بانک جهانی یکی اداره نمودن معادن از طرف دولت ایران و شرکت نفت مشترکاً بود و شرط دیگر این بود که کارشناسان انگلیسی که به خلع ید از ایران رفته بودند به ایران برگردند بدین خاطر پیشنهاد بانک جهانی نمی‌توانست مورد تأیید قرار گیرد. (ازغندی، ۱۳۷۶: ۲۱۰)

در این دوران به طور کلی انگلیسی‌ها چهار استراتژی را در ایران به اجرا در آوردند: اولاً تلاش برای برکناری مصدق و جایگزینی آن توسط سیاستمداران طرفدار خود؛ دوماً رجوع به سازمان‌ها و محاکم بین‌المللی؛ سوماً اجرای گسترده تحریم و محاصره اقتصادی ایران و مانورهای نظامی؛ چهارماً کشاندن آمریکا از حالت بی‌طرفی مثبت به بی‌طرفی منفی و سرانجام به مخالفت حکومت مصدق، و در نهایت کوشش در جهت براندازی دولت ملی. (مدیر شانه چی، ۱۳۷۷: ۸۹)





چنان که گفته شد، قطع رابطه ایران با انگلیس نقطه عطفی در تاریخ روابط دو کشور به حساب می‌آید و آن نتیجه مستقیم مذاکرات نفت و بدبینی ملیون به سیاست انگلیس و توطئه‌های آن کشور بود. اما تعطیلی سفارت یک نتیجه دیگر هم در پی داشت و آن انتقال کانون توطئه به سفارت آمریکا بود که تا این زمان به ظاهر سعی کرده بود خود را بی طرف نشان دهد. (چگینی، ۱۳۹۰: ۲۳۶)

فرانسه که در آغاز شکل‌گیری نهضت موضع مشخصی در برابر آن نداشت، با تشدید بحران و فشار انگلیسی‌ها بر متحدان اروپایی خود و با اوج محاصرات نفتی، به تدریج به مواضع حکومت‌های انگلیس و آمریکا نزدیک شد. سایر کشورها سیاست‌ها و مواضع خود را همچون فرانسه بر مبنای منافع اقتصادی و روابط متقابل خویش با دو دولت قدرتمند غربی و فشارهای سیاسی و اقتصادی این دو دولت تنظیم می‌کردند. (مدیر شانه چی، ۱۳۷۷: ۹۲)

ایتالیایی‌ها با پیشنهاد خرید نفت ایران عملاً وارد دعوای ایران و انگلیس بر سر فروش نفت شدند و در این درگیری کار به دادگاه‌های بین‌المللی نیز کشیده شد. در این زمان چند کشتی نفتکش ایتالیایی، که نفت ملی شده ایران را حمل می‌کردند، توسط عمال انگلیسی توقیف شدند و هر بار نیز ایران در صدد احقاق حق خویش برآمد و در برخی موارد نیز توانست شرکت نفت انگلیس را در دادگاه‌هایی که در این خصوص تشکیل شد، شکست دهد. (نقیب زاده و فیاضی، ۱۳۸۵: ۱۲۸) اما در نهایت آمریکا در این راستا با اشاره به کمک‌های خود به ایتالیای پس از جنگ و با توصیه تهدیدآمیز خود این کشور را از خرید نفت ایران بازداشت. با این حال در طول این سال‌ها برخی



معاملات پایاپای با فرانسه، آلمان، ایتالیا، مجارستان، لهستان و چکسلواکی ادامه داشت. (مدیر شانه چی، ۱۳۷۷: ۹۲)

آمریکا از شرایط محاصره اقتصادی علیه حکومت مصدق بهترین استفاده را کرد و از طریق کمک‌های مالی و نظامی زمینه مداخله در امور اقتصادی و سیاسی را فراهم کرد. سیاست دکتر مصدق در برابر حکومت دموکرات آمریکا و سیاست‌های ترومن به تبع سیاست موازنه منفی، حفظ روابط دوستانه و مدارا بود. ایالات متحده آمریکا در مراحل اولیه جنبش ملی کردن نفت از آن به نحوی پشتیبانی کرد، اما متعاقب ملی شدن شرکت نفت ایران و انگلیس و اجرای قانون خلع ید کوشید نقش میانجی را بازی کند؛ زیرا به طور کلی آمریکا مخالف استعمار کهن اروپایی بود. از دیدگاه آمریکایی‌ها مصدق بهترین بدیل در مقابل قدرت یابی کمونیسم در ایران بود، و شاید نیز تا اندازه‌ای تحت تأثیر شرکت‌های نفتی آمریکایی، امیدوار بودند در پایان کار سهمی در نفت ایران بیابند و نفوذ خود را در منطقه خاورمیانه گسترش دهند. (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۴۷)

در واقع سیاست آمریکا نسبت به نهضت ملی به سه دوره تقسیم می‌شود که، دوره اول سیاست همبستگی و پشتیبانی از حقوق حقه ایران به منظور شکستن انحصار نفتی انگلیس بود که از اواسط ۱۳۲۹ تا فروردین ۱۳۳۰ ش به طول انجامید و در تلاش بودند تا منابع را از دست انحصار انگلیس خارج کنند، و دوره دوم میانجیگری دوستانه در حل اختلافات ایران و انگلیس بود که دو دولت طرح‌هایی را برای حل مسئله شرکت نفت ایران و انگلیس و مقابله با ملی شدن نفت ارائه دادند، و دوره سوم همسویی با انگلیس و شرکت در براندازی حکومت ملی ایران می‌باشد که به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش منجر شد. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۴: ۲۰۸)

آمریکا و انگلیس همزمان با طرح پیشنهادی بانک جهانی، فشارهای اقتصادی خود را افزایش دادند. آمریکایی‌ها کمک اقتصادی را بیشتر از پیش کاهش دادند و آن را صرفاً به اصل چهار و مأموریت نظامی خود محدود کردند. مصدق به هنگام تجدید کمک‌های مربوط به مأموریت‌های نظامی به طعنه به یک سرهنگ آمریکایی گفت امیدوارم ارتش را آن قدر تقویت نکنید که مرا سرنگون کند. (آبراهامیان، ۱۳۹۳: ۲۲۹) در واقع مشغول بودن فکر دولت آمریکا به اوج گرفتن مبارزات کمونیستی در ایران، نگرانی آمریکا از کوتاه ماندن دست غرب از ذخایر نفت ایران و تلاش موفق انگلیسی‌ها در قبولاندن راه حل خود برای حل بحران به آمریکا و در نهایت روش سیاسی شخص مصدق باعث شد تا با به قدرت رسیدن آیزنهاور<sup>۱۱</sup> پس از روی کار آمدن چرچیل<sup>۱۱</sup> در انگلیس به اتخاذ سیاست مشترکی در قبال بحران نفتی و حکومت دکتر مصدق روی بیاورند، آن طوری که گازیوروسکی<sup>۱۲</sup> می‌گوید:

«من احساس می‌کنم دولت ترومن با اینکه از بریتانیا جانبداری می‌کرد، نقش مثبت تری در ماجرای اختلاف میان ایران و بریتانیا داشت و سخت تلاش نمود تا دو کشور به توافقی دست یابند. زمانی که آیزنهاور به قدرت رسید روابط دو کشور برای اقدام مشترک بر

ضد دولت مصدق بهبود یافت». (رسولی پور، ۱۳۸۵: ۱۷۸)

به نظر می‌رسد که کارشناسان حکومت آمریکا در ابتدا فعالیت حزب توده را مشکل بزرگی تلقی نمی‌کردند؛ اما هنگامی که آیزنهاور به قدرت رسید، مقامات دولت آمریکا به این نتیجه رسیدند که خطر کمونیست‌ها جدی است. (همان: ۱۷۹) با ادامه سرسختی مصدق، اقتصاد سیاسی ایران دچار رکود و بی‌ثباتی سیاسی شد و خطر موهوم یا واقعی قدرت‌یابی کمونیست‌ها شدت گرفت، تا



سرانجام آمریکایی‌ها تحت تأثیر متحدان انگلیسی و وابستگان ایرانی‌شان راه حل نهایی را در کودتایی دیدند که به وسیله سیا طراحی شد و با همکاری شاه و اطرافیانش، و محافظه کاران ایرانی علیه حکومت مصدق و مردم ایران صورت پذیرفت. (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۴۷) آمریکا که در گذشته موفق شده بود استالین را مجبور به عقب نشینی از آذربایجان کند و تسلط نسبی خود را تأمین نماید، سپس با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش توانست آخرین بقایای نفوذ کمونیسم را از بین ببرد. اگر صحت گفته رئیس MI6 شعبه ایران را باور کنیم در همان زمان آمریکایی‌ها قصد داشتند در ایران یک دیکتاتوری نظامی به ریاست تیمور بختیار روی کار بیاورند ولی انگلیسی‌ها آن‌ها را قانع کردند که در ایران هیچ افسری نمی‌تواند موقعیت محمدرضا را در ارتش و جامعه داشته باشد و لذا سلطنت محمدرضا را پذیرفتند و بر سر زاهدی به توافق رسیدند. (فردوست، ۱۳۶۹: ۵۳۰)

شوروی در رابطه با مصدق و نهضت ملی شدن نفت ایران، مصدق را به دلیل استقلال خود عامل امپریالیسم می‌دانست و از آنجا که نمی‌خواست آمریکا جای انگلیس را در خاورمیانه بگیرد و نیز به علت آنکه با ملی شدن نفت و پایان حضور استعماری انگلیس در ایران، سهم خود یعنی نفت شمال و اساساً امکان توازن تاریخی خود را از دست می‌داد، مصدق و جبهه ملی را در استراتژی خود خطر عمده می‌دید. در همین راستا شوروی به جای خرید نفت ایران با تخفیف پنجاه درصد پس از ملی شدن آن، ترجیح داد نفت مورد نیاز خود را از غرب خریداری کند. همچنین شوروی درخواست کمک بیست میلیون دلاری ایران را نپذیرفت. (مدیر شانه چی، ۱۳۷۷: ۸۹) حزب توده بخصوص کوشش موفق مصدق را برای ملی کردن تمامی ذخایر نفتی ایران



توطئه ای امپریالیستی علیه شوروی که هنوز مدعی امتیاز نفت شمال بود، می‌دانست. (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۴۴)

دولت ایران در ۹ بهمن ۱۳۳۱ ش به سادچیکف سفیر شوروی اطلاع داد مدت قرارداد شیلات دریای خزر به پایان رسیده است و دولت ایران حاضر به تمدید امتیاز آن نیست. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۴: ۲۰۰) از اوایل سال ۱۳۳۲ ش سادچیکف مذاکراتی را درباره انعقاد یک موافقتنامه بازرگانی جدید با مقامات ایرانی آغاز کرد که در ۲۱ خرداد امضا شد و حجم مبادلات بین دو کشور را به دو برابر افزایش داد. ضمناً قرار شد مذاکراتی در مورد استرداد یازده تن طلای متعلق به ایران سپرده در بانک دولتی شوروی و پرداخت مطالبات دلار ایران به عمل آید. دیگر مسئله تعیین حدود مرزی به ابتکار شوروی‌ها برای حل و فصل اختلافات مرزی بود. (همان: ۲۰۳) در واقع این چهار موضوع اساسی، عمده روابط ایران و شوروی را در زمان دکتر مصدق در بر می‌گرفت. دولت شوروی بر علیه مصدق کاری نکرد؛ اما از طرف دیگر کمکی نیز به وی نکرد؛ شوروی می‌توانست مشی حزب توده را تغییر دهد و از دولت مصدق پشتیبانی مادی و معنوی کند؛ شوروی می‌توانست لاقبل بدهی‌های دوره جنگ ایران را، که دیر زمانی از سررسید آن گذشته و با فقدان درآمد نفت مورد نیاز بسیار بود، به دولت مصدق بپردازد. (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۴۵)

اما در روابط ایران و دول شرقی هم باید چنین گفت، که تلاش خستگی ناپذیر ژاپن برای بازیابی قدرت پیش از جنگ خود، و همچنین انقلاب کمونیستی چین اهمیت این دو دولت را بیش از سایر کشورهای حوزه شرقی کرده بود. طی دورانی که تغییر حاکمیت چین با جانشینی محمدرضا پهلوی به جای پدر همراه شده بود روابط این دو دولت با فراز و نشیب‌هایی همراه بود. در سال



۱۳۲۱ ش/ ۱۹۴۲ م در زمان چیانکایشک<sup>۱۳</sup> روابط ایران و چین که مدتی گسسته شده بود برقرار شد و از سال ۱۳۲۳ ش/ ۱۹۴۴ م دو دولت تصمیم گرفتند با ارتقا سطح نمایندگی خود به سفارت، روابط دیپلماتیک خود را تقویت کنند. با شروع مبارزات کمونیستی و فرار چیانکایشک به تایوان و استقرار نظام و حکومت جدید، به رهبری مائوتسه تونگ<sup>۱۴</sup> که باعث به وجود آمدن جمهوری خلق چین در سال ۱۳۲۸ ش/ ۱۹۴۹ م شد، ایران از شناسایی رژیم جدید خودداری ورزید و روابط خود را با چین قطع کرد. (آذری، ۱۳۶۷: ۱۴۲) این دوران مقارن با ظهور دو بلوک شرق و غرب به رهبری شوروی و آمریکا و شکل گیری جنگ سرد بر روابط دو طرف می باشد، که همراه با تلاش غربی ها برای وابسته کردن ایران به خود بود.

با اینکه دولت ایران در سال های آغازین این دوران با دولت انگلیس درگیر بود؛ اما به خاطر ترس از کمونیسم و شوروی و به امید حمایت آمریکا که به منظور گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی به عمل می آمد برای مقابله با انگلیس به طور کامل در راستای سیاست های آمریکا قرار گرفت. ایران تا سال ۱۳۵۰ ش/ ۱۹۷۱ م از شناسایی جمهوری خلق چین و برقراری روابط دیپلماتیک با آن اجتناب ورزید اما نسبت به مسائل مربوط به دولت مزبور بی تفاوت نبود. (طارم سری و دیگران، ۱۳۷۰: ۱۰۲) قضیه ملی کردن نفت و کوشش های مصدق در سال ۱۹۵۱ م، و پیگیری اصول موازنه منفی نسبت به دول بزرگ غربی از سوی وی، منجر به این شد تا جمهوری خلق چین از مصدق حمایت کند. همچنین در قضیه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش دولت چین با صدور اعلامیه ای رسمی، این اقدام آمریکا و انگلیس را محکوم کرد. (همان: ۱۰۴)

اما در رابطه با ژاپن که سابقه آخرین اقدام فی ما بین ایران و این کشور در برقراری ارتباط تا قبل از استعفای رضا شاه، ایجاد قرارداد مودت در سال ۱۳۱۷ ش/ ۱۹۳۹ م بود، که به علت شروع جنگ جهانی دوم تا دوران پس از آن معوق ماند. شاید علت اصلی اشغال ایران توسط متفقین همین پیشرفت‌های روابط با آلمان و ژاپن بود که با نفوذ اقتصادی و استراتژیکی، قدرت عظیمی به هر یک اعطا می‌شد. با این اشغال ابتدا محاصره اقتصادی آلمان و ژاپن رقم خورد. تا پیش از این، آلمان و ژاپن عمده تولیدات ایران را وارد می‌کردند. با بالا گرفتن مشارکت ژاپن در جنگ جهانی دوم، بخصوص پس از عملیات پرل هاربور<sup>۱۵</sup>، ایران با توجه به تعهدات به متحدین و نظر به دوستی با آمریکا مجبور به قطع روابط با ژاپن گردید و سپس در ۹ اسفند ۱۳۲۳ ش چند ماه قبل از شکست ژاپن نیز در کنفرانس تهران به این کشور اعلان جنگ داد و سفارت ژاپن در تهران تعطیل شد. طی هشت سال بعد هیچ گونه روابط دیپلماتیک بین ایران و ژاپن وجود نداشت، اما دو سال پس از خاتمه جنگ تجارت ایران و ژاپن از سر گرفته شد. به طوری که در سال ۱۳۲۵ ش/ ۱۹۴۷ م حجم کل تجارت به ۱۲ میلیون ریال و در سال ۱۳۲۶ ش/ ۱۹۴۸ م به ۲۲ میلیون ریال و در سال ۱۳۲۸ ش/ ۱۹۵۰ م به ۲۳۱ میلیون رسید. (کندو، ۱۳۸۹: ۱۸۰)

در ۲۸ آوریل ۱۹۵۲ م، نمایندگان ایالات متحده، ژاپن و ایران و بیش از چهل کشور جهان در سانفرانسیسکو گرد آمدند تا معاهده‌ای را امضا کنند که به جنگ اقیانوس آرام پایان می‌داد. از این زمان به بعد، ژاپن به عنوان متحد غرب روابطی متفاوت با گذشته با همه کشورها از جمله ایران برقرار کرد. با اجرای این پیمان، فرستاده‌ای از ژاپن که ماهیتی سیاسی دیپلماتیکی نداشت به نام



ماسایوکی فوجی ثو<sup>۱۶</sup>، خبرنگار روزنامه یومیوری<sup>۱۷</sup> ژاپن وارد ایران شد و مصاحبه‌ای خصوصی با مصدق انجام داد. این واقعه مصادف با حساس‌ترین شرایط تاریخ ایران یعنی تحریم‌های سخت نفتی از سوی انگلیسی‌ها بود. (عراقچی، ۱۳۸۹: ۱۶۲) شرکت نفت ایران و انگلیس در واکنش به ملی شدن نفت، همه شرکت‌های شش گانه بزرگ نفتی دنیا را با خود همدست کرده و بازار جهانی نفت را به روی ایران بسته بود. فوجی ثو می‌گوید:

«در فرصت استراحتی کوتاه طی مصاحبه مصدق از ما خواست که نفت

ایران را به هر مقداری که می‌خواهیم بخریم. متعاقب مصاحبه فوجی ثو

واسطه ای بین دو دولت ایران و ژاپن فعال می‌شوند». (همان: ۱۶۴)

در ماه می ۱۹۵۲ م، شوچیرو ایشی باشی<sup>۱۸</sup> رئیس شرکت تایر سازی بریجستون<sup>۱۹</sup>، به دنبال این می‌رود که شرکت نفتی بزرگی که بتواند با کمپانی‌های بزرگ نفتی چند ملیتی به رقابت بپردازد و نفت از ایران وارد سازد تأسیس کند. اما طی جلساتی با واسطه‌های ایرانی خرید نفت از ایران به شرکت ایده میتسو<sup>۲۰</sup> واگذار شد. بنابراین طی قراردادی که با دولت ایران در ۲۶ بهمن ۱۳۳۱ ش/۱۵ فوریه ۱۹۵۳ م به امضا رسید، قرار شد ایده میتسو طی ۱۸ ماه پنج میلیون بشکه فرآورده‌های نفتی از ایران تقریباً سی درصد ارزان تر از قیمت بازار خریداری کند. (همان: ۱۶۵) بنابراین طبق این توافقنامه شرکت مزبور نفتکش نیشومارو<sup>۲۱</sup> را به آبادان فرستاد که در ماه آوریل ۱۹۵۳ م وارد این بندر شد. (کندو، ۱۳۸۹: ۱۸۰) موضوع نفتکش نیشومارو برای دو کشور این فرصت را پدید آورد که روابط دیپلماتیک را از سر بگیرند. ژاپن جدید پس از گرفتاری‌های اولیه در بازسازی خرابه‌های جنگ، امکان بازیافت موجودیت سیاسی خود را پیدا کرد و پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش که نظام وقت





ایران مجبور به اتکا بر غرب و آمریکا نمود به راحتی توانست سفارت خود را در تهران افتتاح کند و در شهریور ۱۳۳۳ ش نیز سفارت ایران در توکیو آغاز به کار کرد، هر چند با تشکیل کنسرسیوم نفتی به پیشنهاد آمریکایی‌ها از تداوم واردات مستقیم نفت ایران توسط شرکت ژاپنی جلوگیری شد.

### نتیجه‌گیری

اصول سیاست خارجی مصدق در دوران نخست‌وزیری و قبل از آن نیز در قوه مقننه متکی بر اصل سیاست موازنه منفی بود. برخی از اصول این سیاست عبارت‌اند از: استقلال از قدرت‌های بیگانه شرق و غرب یا شمال و جنوب، تأکید بر تمامیت ارضی و همبستگی ملی در برابر طمع دولت‌های متجاوز، تأکید بر هویت ملی و دینی در برابر فرهنگ وابستگی به بیگانگان، مخالفت با واگذاری هر امتیاز سیاسی و اقتصادی به هر دولت، رعایت توازن سیاسی در روابط بین‌الملل و موارد فراوانی که ذکر آن در این سیاهه آورده شد. اجرای این سیاست هر چند تبعات دشوار و ناگواری را برای تاریخ ایران در پی داشت؛ از جمله تحریم نفتی ایران، ایجاد تنگناهای سیاسی، اقتصادی در مجامع بین‌المللی توسط دول غربی، قطع روابط سیاسی و در نهایت کودتای ۲۸ ام مرداد ۱۳۳۲ ش، اما مهم‌ترین رخداد یعنی ملی شدن نفت را نیز در پی داشت که جنبشی در راستای زدودن وابستگی به بیگانه است. باید اذعان کرد که مصدق در تلاش‌هایش برای رهایی ایران از نفوذ و سلطه خارجی موفق بوده است. به طوری که پس از اخراج انگلیسی‌ها هیچ کشوری نتوانست نفوذی قابل مقایسه با آنان در ایران برقرار کند. از زمان ورود این کشورهای استعماری به صحنه سیاست در خاورمیانه تلاش‌های آنان برای شکل دادن اقتصاد کشورهای تحت سلطه به روش تک‌محصولی برای وابسته‌تر کردن به خود نتیجه بخش



بود، چنانکه با روی کار آمدن دکتر مصدق، وی با تحریم منبع درآمد مهم کشور یعنی نفت، توان مقابله با نظم جهانی شکل گرفته را از دست داد. اجرای طرح اقتصاد بدون نفت، که گامی در تغییر مسیر درآمدی دولت و عدم وابستگی به درآمدهای نفتی بود هرچند به جایی نرسید اما اصل بینش و تفکر، مبتکرانه و بدیع بود.

طی این مدت اهمیت ماده استراتژیکی نفت برای قدرت‌های خارجی بخصوص آمریکایی‌ها در منطقه خاورمیانه بیشتر شده بود. همین امر باعث شد نهایتاً در قضیه کودتا همکاری جدی با انگلیسی‌ها به عمل آورند. در حالی که تا پیش از این، شرایط به گونه ای بود که هر وقت آمریکایی‌ها می‌خواستند به ایران بیایند و سهمی داشته باشند خود انگلیسی‌ها به یک ترفندی پای آمریکایی‌ها را از معادلات ایران قطع می‌کردند. اما در یک جایی نیازمند کمک آمریکا شدند. بعد از شهریور ۱۳۲۰ ش و ملی شدن نفت، انگلیسی‌ها با بن‌بست مواجه شدند و ناگزیر به آمریکایی‌ها امتیاز دادند. این امتیاز، موجب اجرای طرح کودتای مرداد ۱۳۳۲ ش شد، که با براندازی دولت مصدق و سیاست موازنه منفی، ثروت نفت برای آمریکا به عامل سلطه‌گری آنها در منطقه تبدیل شود. موازنه منفی دکتر مصدق در جریان ملی کردن صنعت نفت، آن را بی‌شک الهام بخش شکل‌گیری پدیده جنبش عدم تعهد از سوی احمد سوکارنو، جواهر لعل نهرو و جمال عبدالناصر می‌دانند، که تشخیص میزان صحت و سقم این امر بررسی جداگانه‌ای را می‌طلبد.

- 
۱. negative balance policy
  ۲. Arthur Millspaugh
  ۳. the positive balance
  ۴. Ivan Sadchikov

۵. Neville Gass

۶. De Facto شناسایی موقتی و به منظور برقراری مناسبات سیاسی در سطح پایین است. (ر.ک: آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳: ۱۶۷)

۷. Jackson

۸. harriman- Stokes

۹. mack gay- hodgson

۱۰. Eisenhower

۱۱. Churchill

۱۲. Mark Gasiorowski

۱۳. Chiang Kai-shek

۱۴. Mao Tse-tung

۱۵. Pearl Harbor

۱۶. Masayuki Fujio

۱۷. Yomiuri

۱۸. Shojiro Ishibashi

۱۹. Bridgestone Corporation

۲۰. Idemitsu Corporation

۲۱. Nissho Maru

### منابع

آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۲). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نی، چ ۲۰.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نی، چ ۷.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۳). کودتا ۲۸ مرداد، سازمان سیا و ریشه‌های روابط

ایران و آمریکا در عصر مدرن، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نی، چ ۴.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۶). مقالاتی در جامعه شناسی سیاسی ایران، ترجمه

سهیلا ترابی فارسانی، تهران: شیرازه.



- آذری، علالدین (۱۳۶۷). تاریخ روابط ایران و چین، تهران: امیرکبیر.
- آقابخشی، علی و مینو افشاری راد (۱۳۸۳)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۶). روابط خارجی ایران، دولت دست نشاندۀ ۱۳۲۰-۱۳۵۷، تهران: قومس.
- بزرگمهر، جلیل (۱۳۵۹). تقریرات مصدق در زندان، تهران: فرهنگ ایران زمین.
- ثریا، جمشید (خرداد و تیر ۱۳۸۵). «قضاوت تاریخ و تشکیل دولت صهیونیستی» فصلنامه سیاسی اقتصادی، ش ۲۲۵-۲۲۶.
- چگینی، محمد (پائیز ۱۳۹۰). «توطئه‌های سفارت انگلیس و مسأله قطع رابطه در دولت مصدق»، فصلنامه مطالعات تاریخی، ش ۳۴.
- خامه‌ای، انور (۱۳۷۲). خاطرات سیاسی، تهران: گفتار.
- ذبیح، سپهر (۱۳۷۰). ایران در دوران مصدق، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: عطائی، چ ۲.
- رسولی پور، مرتضی (بهار ۱۳۸۵). «سیاست خارجی آمریکا در ایران از ملی شدن صنعت نفت تا پیروزی انقلاب اسلامی، گفتگو با مارک جی گازیوروسکی» فصلنامه تاریخ معاصر ایران، س ۱۰، ش ۳۷.
- شهبازی، الهام (بهار و تابستان ۱۳۹۳). «ایران و اسرائیل از همکاری تا منازعه» دوفصلنامه خردنامه، س ۴، ش ۱۲.
- طارم سری، مسعود و دیگران (۱۳۷۰)، چین: سیاست خارجی و روابط با ایران ۱۳۲۸-۱۳۵۷، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چ ۳.

عراقچی، سیدعباس (تابستان ۱۳۸۹). «نگاه آسیایی در روابط معاصر ایران و ژاپن»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، س ۱۱، ش ۴۳.

عظیمی، فخرالدین (۱۳۹۱). بحران دموکراسی در ایران ۱۳۲۰-۱۳۳۲، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، تهران: آسیم، چ ۴.

فردوست، حسین (۱۳۶۹). ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران: اطلاعات.

فوران، جان (۱۳۹۲). مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: خدمات فرهنگی رسا، چ ۱۴.

کاتوزیان، (همایون) محمد علی (۱۳۶۸). اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: پاپیروس.

کندو، نوبواکی (تابستان ۱۳۸۹). «ژاپن - روابط سیاسی و تجاری با ایران»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ترجمه مجید مطلبی شبستری، س ۱۱، ش ۴۳. کی استوان، حسین (۱۳۲۷). سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم، ج ۱، تهران: روزنامه مظفر.

مدیر شانه چی، محسن (مرداد و شهریور ۱۳۷۷). «سیاست خارجی ایران در دوران زمامداری مصدق»، فصلنامه سیاسی اقتصادی، ش ۱۳۱-۱۳۲.

مصدق، محمد (بی تا). خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق، تهران: علمی، چ ۵.

نقیب‌زاده، احمد و عمادالدین فیاضی (بهار ۱۳۸۵). «ملی شدن صنعت نفت ایران و ایتالیایی‌ها»، فصلنامه مسکویه، ش ۲.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۴). سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۰۰-۱۳۵۷، تهران: البرز، چ ۲.



تاریخنامه خوارزمی - فصلنامه علمی - تخصصی - سال سوم، بهار ۱۳۹۵



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی